

مانند عزیز

امروز خانم شاداب و جدی پیام ترا به من رساند که گویا سرگشته ازین خودتسه ازوفتایم امرا بودی!
 این دیگر چه شکل بیگانه ای است؟ مگر تو چند سال پیش به خانه ام نیامده ای؟ گویا چندین سال است
 به همین نشانی با من مکتوبه نذر شده ام، مگر دستکم نمی توانستی از بدیم مهر داد که ۴ سال است در لندن
 است و تو او را دیدی امرا غم را بگیر یا خانه ام را دیدی که در بر کجا بودم؟ من می راندم. صرا
 رفناقصی می توانست در همین ماه برام کتابش را بفرستد و یا منی مگرد و تو کمالا مرا لم کرده ای!
 تا لیکن سه ماه به مسافرت زخم دگر بستم و اخیرا هم دعوای به آسرتی دارم.
 اما آنچه مربوط می شود به سرگرمی برابر که گفته گویا "راهبان شو در غیبت" مانده ای باید
 بگویم من از ولز به لگد خوزه غریبت بدیم می آید ازین که روزانه به انوای کار برود
 آنرا شنیده ام و حوزان نظام. شاید هم برابر این است که من شخصا در هیچ جا رانیا احسان
 غریبت نگرفته ام، با وجودی که عمر از دور وطن سوخته ام. اگر انان بتواند! در سران می
 جدا گانه بچنگد درش زانالا بگردد کار کند و بیافریند و اسید وار باشد، غریبت در
 برابرش زانو خواهد خورد.

آیا آبر بند نام کتاب را "سایران سبون فرزی" می گذارم که غرضی در آن
 نهفته است یعنی هم نام بزرگان. به هر حال بنحی که تمام در دستم سرگرمی می کند.
 و از تو هم بچیده ام. افضیلا کار باکت دیدم با دعانت من به مورد...
 و اما همه حلام کلونه شعری که می خوانی و بدف گزینش در دستم هستی و
 مع رفاته است.

دوستت

دوستت

لندن آاد سبده ۱۹۹۰

76 Bello Bridge Rd.
 Acton, London W3 8AU
 ENGLAND

از ایران هم برابر کتاب ازین سر خودتسه اند